

سرور مردم و برخورد انزجار برانگیز مرتجعان حاکم! سخنی درباره اعطای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی



* بادامچیان از سران جمعیت منفور مولفه «اگر این جایزه برای پاداش کارهایی باشد که او به نفع استعمار و استکبار غرب انجام داده تنگ آن شخص است.»
* محیان سرمقاله نویس رسالت «جایزه صلح نوبل برای شیرین عبادی که شادی وصف ناپذیر طیفی از رادیکال های دوم خردادی را به دنبال داشت، بیش از آن که پیامی انسانی داشته باشد به گمان من حاصل پیام سیاسی از سوی اروپا به ایران است.»

ادامه در صفحه ۴ و ۵

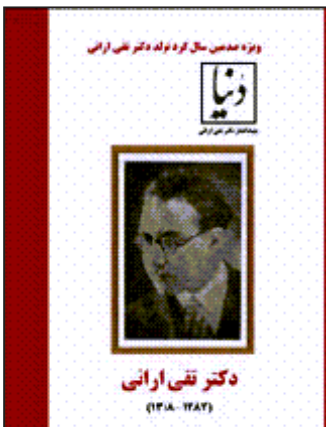
اطلاعیه حزب توده ایران به مناسبت اعطای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی در ص ۳



شماره ۶۷۱، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۲ مهر ماه ۱۳۸۲

ویژه نامه «دنیایا» به مناسبت صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی

منتشر شد



شرم انتساب به حاکمیت

بر اساس گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، سعید رضوی فقیه، عضو شورای مرکزی تحکیم وحدت، در سخنانی، در انجمن اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، با عنوان تابستانی که گذشت، از جمله گفت: «با برخورد هایی که با اعضای فعال جنبش دانشجویی صورت گرفته است، اعتماد آنها نسبت به حاکمیت از بین می رود»

ادامه در صفحه ۳

ضرورت تشدید و گسترش انواع مبارزه بر ضد «استبداد دینی» و مرتجعان حاکم

* آقاچری: «اینجانب تاکنون صبر و سکوت و نجابت پیشه کرده و به انتظار نشسته بودم تا عقلای قوم اقتدار گرایان را بر سر عقل آورند اما اینک که به اثبات رسیده است امید به سر عقل آمدن آنان عبث بوده و تجربه ۶ ساله اصلاح طلبی درون حکومتی، انسداد و بن بست چنین شیوه ای را مبرهن و مشخص ساخته...»

آقاچری، که گویا حکم اعدام او در قم به تصویب رسیده است ولی تاریک اندیشان حاکم جرئت اعلام آن را هنوز پیدا نکرده اند، در نامه یی که از زندان اوین نوشته است، در ضمن اعلام نا امیدی کامل از ادامه روند کنونی و چاره سازی سیاست های تاکنون آزمایش شده، مردم و نیروهای اصلاح طلب را به مقابله با ارتجاع حاکم فرا می خواند. آقاچری در این نامه از جمله می گوید: «من دکتر سید هاشم آقاچری، استاد دانشگاه و روشنفکر مذهبی اکنون در حدود یک سال و سه ماه است که تنها به جرم عقیده و طرح اندیشه و به جرم نقد قرائت بنیاد گرایانه و اقتدار طلبانه از اسلام و به جرم نقد خود کامگی و دیکتاتوری پنهان شده در پوسیتین دین در ایران به بند کشیده شده و در زندان های جمهوری اسلامی در اسارت به سر می برم. و یا حکم اعدام، زندان، تبعید، شلاق و محرومیت ده ساله از تدریس در دانشگاه که علیه من صادر شد و حتی رئیس مجلس نظام جمهوری اسلامی آن را حکم ننگین خواند، هشدارهایی را که اینجانب درباره وجود اراده یی ضد بشری و ضد دینی برای

بن بست روند اصلاحات و بحران همه جانبه سیاسی و اقتصادی کشور، در کنار خطر دخالت خارجی، که به دلیل سیاست های ماجراجویانه سران رژیم و موج جدید نظامی گری امپریالیسم، که میهن ما را تهدید می کند، در مجموع وضعیت به شدت نگران کننده یی را پدید آورده است و راه کارهای مناسب برای خروج از بن بست را طلب می کند. در ارزیابی وضعیت کنونی از جمله می توان به این نتایج رسید که: اولاً مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم یورش وسیع و همه جانبه خود را برای تغییر اوضاع و بازگرداندن آن به دوران پیش از خرداد ۷۶ تشدید کرده اند. ثانیاً سیاست های مامشات طلبانه و سازش گرانه رهبری جبهه دوم خرداد، در عمل دولت و بخش هایی از اصلاح طلبان حکومتی را در بن بست کامل بی عملی و بی دورنمایی سیاسی قرار داده است. ثالثاً نارضایتی وسیع عمومی از ادامه استبداد و خفقان حاکم در کنار فشارهای گسترش یابنده اقتصادی و اوج گیری ناهنجاری های اجتماعی وضعیت انفجاری را در جامعه پدید آورده است و مردم به دنبال شیوه، سیاست ها و جایگزین هایی هستند که بتواند کشور را نجات دهد.

بر اساس گزارش پایگاه خبری «امروز»، هاشم

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

جستجوی بی سرانجام برای یافتن سلاح های امحای جمعی و ماجرای حراج صنایع عراق!

روز پنج شنبه، ۲ اکتبر، «دیوید کی» رئیس بازرسان سلاح کشتار جمعی ایالات متحده، در گزارش مقدماتی خود اعلام کرد که هیچ گونه اثری از سلاح کشتار جمعی در عراق یافت نشده است. اما او با این حال اعلام کرد که به ۶ تا ۹ ماه دیگر نیاز دارد تا تحقیقات خود را تکمیل کند. پس از اعلام نظر «البرادعی»، رئیس گروه تحقیق سازمان بین المللی انرژی هسته ای، و «هانس بلیکس»، رئیس بازرسان سازمان ملل متحد، در مورد پیدا نشدن سلاح کشتار جمعی در عراق، این سومین مقام مسئولی است که چنین نظری را اعلام کرده است. با وجود این جورج بوش در مصاحبه یی پس از اظهار نظر «کی» و باظرفه رفتن از پاسخ گویی به دروغ گویی در مورد وجود سلاح کشتار جمعی در عراق، گفت که، تحقیقات نشان داده است که عراق قطعه نامه های سازمان ملل را زیر پا گذاشته است و حمله به عراق را دوباره مورد تایید قرار داد. او در مقابل کاهش اعتماد مردم آمریکا به او و در مقابله با نظر عمومی مردم گفت که «بعضی مواقع مردم آمریکا آن تصمیم هایی را که من می گیرم می پسندند و گاهی نیز نمی پسندند... اما آنها باید بدانند که من تصمیمات بسیار جدی را خواهم گرفت که به نظر خودم درست است.» در انگلستان نیز «تونی بلر»، نخست وزیر این کشور، بر رغم فشارها و اعتراض های فراوانی که برضد او، چه در داخل کابینه او و چه در میان مردم، از سیاستی که در قبال عراق اتخاذ کرده بود، دفاع نمود و آن را «ضروری» دانست.

در همین حال نیز به رغم خواست و فشار جهانیان، آمریکا اعلام کرد که برای واگذاری امور عراق به دولتی منتخب مردم این کشور و یا دادن نقش کلیدی و بیشتر به سازمان ملل، به زمان بیشتری نیاز دارد و در همین شرایط نیز دوباره از نیروهای بین المللی خواستار شرکت در «بازسازی و حراست» عراق شد. در «پاسخ» به این درخواست و پس از موافقت برای اعطای ۷ میلیارد دلار وام به ترکیه، مجلس این کشور در روز ۱۷ اکتبر، به اعزام نیرو به عراق و تحت فرماندهی آمریکا، رای مثبت داد که به نوبه خود سرمنشا تشنجات جدیدی در منطقه خواهد شد.

سیاست های آمریکا و انگلستان در عراق با گذشت زمان، مخالفان بیشتری می یابد و اعتراض های مردمی نیز ابعاد وسیع تری را به خود می گیرد. نتایج نظر سنجی ها در هفته های اخیر نمایشگر مخالفت مشخص افکار عمومی جهان و بخصوص در آمریکا و انگلستان با ادامه اشغال نظامی عراق می باشد. شعار های شرکت کنندگان در تظاهرات ضد جنگ و اشغال عراق در لندن و دیگر شهرهای جهان در روز ۲۷ سپتامبر پایان دهی به اشغال عراق، سپردن کنترل عراق به دست مردم و نیروهای منتخب آنان و مخالفت با سیاست های استعمار گرانه بوش و بلر بود. شرکت های نظر سنجی در آمریکا در هفته گذشته فاش کردند که میزان حمایت از بوش در ماه های اخیر شدیداً کاهش پیدا کرده و به حدود ۵۰ درصد رسیده است. در انگلستان دولت تونی بلر زیر فشار است و احتمال استعفا ی جف هون، وزیر دفاع، و یا خود نخست وزیر به طور جدی مطرح می باشد. اکنون کمتر کسی در کشورهای غربی بهانه جورج بوش و تونی بلر در مورد خطر استفاده صدام حسین از سلاح های امحای جمعی را قبول دارد.

در روز ۲۳ سپتامبر گروه های تحقیق و تجسس برگمارده از سوی دولت آمریکا در رابطه با پیدا کردن شواهد وجود سلاح های امحای جمعی در عراق پس از ۵ ماه کار مداوم اعلام کرد که چنین سلاح هایی در عراق وجود ندارد. این گروه ۱۴۰۰ نفره که وجب به وجب خاک عراق را مورد جستجو قرار داده است همچنین گفت که قویاً غیر محتمل است که عراق سلاح های امحای جمعی خود را به خارج از عراق و دیگر کشور ها منتقل کرده باشد. کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل در اجلاس مجمع عمومی در ۲۳ سپتامبر به طور مشخص دکترین جورج بوش

در رابطه با اقدام نظامی پیشگیرانه را محکوم کرد و گفت این امر به گسترش استفاده یک جانبه و غیرقانونی از زور در روابط بین کشورها منجر خواهد شد. جالب توجه است که احمد چلبی، رهبر «کنگره ملی عراق» و کار گزار محافل اصلی قدرت در ایالات متحده، بر کرسی نمایندگی عراق در سازمان ملل جلوس کرد. این در حالی است که هنوز سازمان ملل تصمیم مشخصی در باره کرسی این کشور در مجمع عمومی اتخاذ نکرده است.

لیگ کشورهای عربی در ماه گذشته هیئت نمایندگی «شورای حکومتی» را به عنوان نماینده عراق قبول کرد در حالیکه بر سر اینکه آیا ساختار های گمارده شده توسط ایالات متحده و در تحت کنترل اشغالگران، می توانند در تصمیم گیری های استراتژیک شرکت کنند، در سازمان اوپک اختلاف نظرهایی وجود دارد. از سوی دیگر با اعلام «شورای حکومتی» برگمارده شده از سوی اشغالگران در مورد چوب حراج زدن بر اقتصاد عراق و اینکه سرمایه گذاران خارجی مجاز به خرید همه کمپانی ها و شرکت های تولیدی و تجاری، به غیر از صنایع نفت، در عراق هستند، ماهیت استعمار گرانه وضعیت حاکم بر عراق بیش از پیش افشاء می شود. به گزارش رسانه های گروهی کمال الکیلانی، وزیر مالیه «دولت موقت عراق»، در جریان اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول در دبی، با تایید خبر حراج همه عرصه های اقتصادی عراق به غیر از صنایع نفت اظهار داشت: «در آینده نزدیک اقداماتی انجام خواهد شد که نمایشگر قدم های مهمی در جلو بردن کوشش هایی به منظور بازسازی عراق خواهد بود.» الکیلانی در زیر پوشش نیاز به منابع مالی برای تامین مخارج بازسازی عراق که تخمین زده می شود ۹۰ میلیارد دلار لازم داشته باشد، معتقد به باز کردن مرزهای عراق بر روی انحصارات بین المللی می باشد. تاکنون کمپانی های آمریکایی در پروژه های بازسازی بزرگترین قرارداد ها را برنده شده اند.

«طریق الشعب»، ارگان حزب کمونیست عراق، در سرمقاله خود تحت عنوان «تصمیم گیری در مورد مسایل مهم اقتصادی فقط وظیفه یک دولت منتخب و قانونی می باشد» تحلیل همه جانبه یی را در رابطه با اعلام حراج صنایع عراق از سوی وزیر مالیه این کشور ارائه کرد. طریق الشعب با انتقاد از فشار نیروهایی که خواستار حل مسایل استراتژیک در رابطه با حیات اقتصادی کنونی و آینده کشور می باشند گفت: «تصمیم های رسمی» در رابطه با «بخش های استراتژیک اقتصاد ملی ما و مسیر آینده توسعه متوازن و متعادل برای منابع انسانی ما گرفته می شود..... بدون شرکت مردم و افکار عمومی و بدون هیچ بحثی در رسانه های عمومی».

ارگان حزب برادر در انتها اضافه می کند که «منافع عالی مردم حکم می کند که تصمیم های عمده نباید با عجله گرفته شود، و یا تدوین راه حل در مورد مسایلی در رابطه با حاکمیت که دارای اهمیت استراتژیک هستند، نباید بدون تدارک زمینه ها و ضرورت های مربوط به آن، صورت بگیرد.» ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق در ادامه تدارک این زمینه ها نیازمندی ها را محتاج ایجاد یک محیط سیاسی سالم و شرایط محکم دموکراتیک در کشور، از طریق سپردن اهرم های کنترل همه عرصه های اساسی حیات اقتصادی - اجتماعی عراق به ارگان های منتخب و قانونی مردم از طریق انتخاب یک دولت دموکراتیک می داند.

ادامه شرم انتساب به حاکمیت ...

اطلاعیه حزب توده ایران به مناسبت اعطای جایزه

صلح نوبل به شیرین عبادی

اعطای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی قاضی، وکیل، حقوقدان، استاد دانشگاه و نویسنده ایرانی از سوی کمیته نروژی صلح نوبل در روز جمعه ۱۸ مهر ماه ۱۳۸۲، رخدادی مهم در شرایط کنونی میهن مان است. کمیته صلح نوبل در بیانیه‌ی در این رابطه به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خانم شیرین عبادی در دفاع از حقوق بشر و به ویژه در رابطه با احراز حقوق زنان و کودکان اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که او به عنوان یک وکیل، قاضی، استاد دانشگاه، نویسنده و فعال حقوق بشر در کشورش، ایران، و در خارج از مرزهای این کشور با صراحت و قاطعیت حرف زده است. خانم عبادی در اولین واکنش خود در مقابل خبرگزاری‌های جهان متهورانه و متعهدانه خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران شد. حزب توده ایران اهمیت واقعی اعطای جایزه صلح نوبل به خانم عبادی را در به رسمیت شناخته شدن مبارزات مردم ایران برای تحقق آزادی، حقوق بشر و رهایی از قوانین متحجر، غیر انسانی و تبعیض آمیزی که توسط رژیم ولایت فقیه با خونریزی و خشونت بی سابقه به میهنمان تحمیل شده است، تلقی می‌کند. این واقعه ضمناً می‌تواند طرح گسترده این مبارزات در میان مردم جهان را در پی داشته باشد. خبر اعطای جایزه صلح به خانم شیرین عبادی با استقبال گسترده ایرانیان دموکرات و ترقیخواه و به خصوص زنان میهنمان که قربانی تبعیض‌های وحشتناک قرون وسطایی اعمال شده توسط رژیم ولایت فقیه هستند، روبه رو شده است. حزب توده ایران این دست آورد را به فعالان حقوق بشر، زنان، جوانان و کودکان میهنمان و به شیرین عبادی، همکارانش و وکلای ارزشمندی همچون ناصر زرافشان، وکیل در بند پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و دیگر رزمندگان جبهه آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در میهن مان، تبریک می‌گوید. حزب توده ایران امیدوار است که این پیروزی مهم برای مبارزان حقوق بشر و دموکراسی در میهن مان زمینه‌ای شود برای پیگیری روز افزون آزادی زندانیان سیاسی، رسیدگی به خواست‌های خانواده قربانیان فاجعه ملی و سایر اعدام‌های سیاسی. جو بین‌المللی ایجاد شده متناسب با این تحول محیط آماده‌ی بی‌راستی را برای گسترش فعالیت‌ها در داخل و خارج از کشور به خاطر تحقق خواست‌های برحق مردم میهن مان و به خاطر اصلاحات پایه‌ی سیاسی، دموکراسی و عدالت اجتماعی فراهم کرده است. حزب توده ایران همه شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی دموکرات و ترقیخواه میهن را فرا می‌خواند که در صفی متحد به موازات گسترش جبهه مبارزه برای تحولات بنیادی سیاسی در کشور، هشیارانه مانع سوء استفاده سران رژیم و همچنین کشورهای سرمایه‌داری از این پیروزی مردم ایران مبنی بر کوشش برای انعقاد معاملات پنهانی با جمهوری اسلامی، گرفتن امتیازات توسط قدرتهای بزرگ و وجه المصلحه قرار دادن حقوق بشر در ایران، گردند. حزب توده ایران بر این باور است که رسیدگی عادلانه به جنایت‌های رژیم ولایت فقیه و سران آن، یکی از پایه‌های اصلی ایجاد جامعه‌ی عاری از خشونت و هرگونه تحول بنیادی مسالمت آمیز است. برپایی چنین جامعه‌ی بی‌در صورت عدم انجام این رسیدگی در حد آرزو باقی خواهد ماند.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۰ مهر ماه ۱۳۸۲

مجموعه اتفاقات رخ داده در سالهای اخیر دانشگاه را به سمتی برد که اساساً انتساب به حاکمیت را برای خود شرم می‌دانند. این موضوع بزرگترین آفت برای نظام سیاسی است. رضوی فقیه افزود: «دانشجو، استاد و روزنامه نگار در یک طرف خندقی عمیق، واقع شده‌اند و سیاستمدار، قاضی و برخی از مقامات دولتی در سوی دیگر هستند. در هیچ جای دنیا حکومت و سیاستمداران این قدر خود را بی‌نیاز از علم و دانش و دانشگاه نمی‌دانند. وی با بیان اینکه عده‌ی دانشجو بودن و روزنامه نگار بودن را نشانه جاسوسی می‌دانند، گفت: «آقاجری به عنوان یک استاد دانشگاه به اعدام محکوم می‌شود و دانشجو باتوم می‌خورد و دستگاه قضایی حکومت مستقر به شیوه آدم ربایی دانشجویان را دستگیر می‌کند. مشکل این برخوردها در این است که هزینه چنین رفتارهایی را نظام جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی و وحدت و هستی کشور، می‌پردازد.» رضوی فقیه در پایان افزود که: «تابستان گذشته برای دفتر تحکیم وحدت نقطه عطفی بود تا تکلیف خود را روشن کند.» وی افزود: ضمن ارج نهادن به فعالیت‌های دفتر تحکیم در گذشته، «دوره دفتر تحکیمی که بخواهد به دنبال حاکمیت در دانشگاه باشد به سر آمده است.» سخنان سعید رضوی فقیه از این منظر جالب توجه است که سران رژیم در گذشته بی‌چندان دور «دفتر تحکیم» وحدت را به منظور مبارزه و مقابله با نهادهای واقعی دانشجویی ایجاد کردند و هدفشان تسخیر دانشگاه‌ها و کنترل فعالیت‌های صنفی و سیاسی دانشجویان معترض به ادامه استبداد و تخریب ساختار آموزشی کشور بود. تبدیل بخش عمده دفتر تحکیم وحدت از یک نهاد وابسته به حاکمیت به نهادی که امروز خود را در مقابل حاکمیت و سیاست‌های آن می‌بیند نشانگر عمق بحران و ورشکستگی رژیم فقهی و در عین حال رشد و بالندگی جنبش دانشجویی کشور است که توانسته است با وجود همه دشواری‌ها، فشارها و مشکلات ایجاد شده بر سر راهش همچنان به پیکار خود ادامه دهد. رضوی فقیه درست می‌گوید دوران تشکل‌های صنفی وابسته به حاکمیت به سر آمده است و دانشجویان و جوانان و کارگران و زحمتکشان کشور خواهان ساختار مستقل، دموکراتیک و صنفی خود هستند.

آزادی برای همه زندانیان

سیاسی ایران!

ادامه سرور مردم و برخورد انزجار برانگیز ...

خبیر اعطای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی در روز جمعه ۱۸ مهر ماه بازتاب گسترده‌ی بی در محافل جهانی و داخلی داشت و تا کنون همچنان در صدر مسائل سیاسی توجه نیروهای اجتماعی و سیاسی میهن مان را به خود جلب کرده است. کمیته نروژی صلح نوبل در بیانیه خود در اشاره به دلایل این انتخاب آورده است: «وی تلاش هایش را به صورت ویژه برای احراز حقوق زنان و کودکان متمرکز کرده است. او به عنوان یک وکیل، قاضی، استاد دانشگاه، نویسنده و فعال حقوق بشر در کشورش، ایران، و در خارج از مرزهای این کشور با صراحت و قاطعیت حرف زده است.» در قسمتی دیگر از این بیانیه که در رابطه با حقوق بشر و بخصوص دفاع از حقوق کودکان و زنان می باشد، آمده است: «حوزه فعالیت این خانم مبارز برای حقوق بشر و استواری بر این مطلب را در بر می گیرد که هیچ جامعه‌ی بی را نمی توان متمدن خواند مگر آن که حقوق زنان و کودکان در آن رعایت شود.» در قسمت پایانی بیانیه کمیته صلح نوبل نیز آمده است: ما امیدواریم که مردم ایران از این که برای اولین بار در تاریخ یکی از شهروندانشان جایزه صلح نوبل را از آن خود کرده است، شادمان باشند و امیدواریم این جایزه، الهام بخش همه افرادی باشد که برای حقوق بشر و دموکراسی در کشور او، جهان اسلام و نیز در تمام کشورهایی که نبرد برای حقوق بشر نیازمند الهام بخشی و حمایت است، مبارزه کنند.»

شیرین عبادی پس از اعلام این خبر در یک مصاحبه مطبوعاتی در پاریس ضمن ابراز امیدواری از اینکه اعطای این جایزه به وی، کمکی به ارتقای حقوق بشر در ایران بکند، گفت: «مهمترین و اضطرابی ترین مساله‌ی بی که در ایران باید به آن پرداخته شود، آزادی بیان و آزادی تمامی افرادی است که به دلیل بیان عقایدشان زندانی شده اند.» وی در این مصاحبه خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی گردید.

شیرین عبادی در طول سالیان گذشته مبتکر فعالیت های مستمر و پیگیری در رابطه با حقوق زنان، کودکان و پناهندگان در ایران بوده است. وی همچنین با قبول و کالت پرونده های حساسی از جمله پرونده قتل فروهرها در پیگیری قتل های زنجیره ای، امیر فرشاد ابراهیمی (نوارسازان)، عزت ابراهیم نژاد (تنها شهید شبیخون عوامل رژیم به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران)، خانم مهرانگیز کار در رابطه با کنفرانس برلین، و دکتر ناصر زرافشان در رابطه با پرونده قتل های زنجیره ای، شجاعانه به قبول خطرات و تبعات آن تن داد.

فعالیت های شیرین عبادی فقط به دوران بعد از دوم خرداد محدود نمی شود و باید توجه داشت که قبل از این دوره نیز با فعالیت های پیگیر خویش در رابطه با حقوق کودکان میهنان رژیم ولایت فقیه و قوانین قرون وسطایی آن را به چالش طلبید. از جمله پرونده های پر سر و صدایی که سالها پیش در محافل داخلی و خارجی انعکاس وسیع و گسترده پیدا کرد، پرونده کودک ۸ ساله، آرین گلشنی بود که به دست پدر و برادر خویش بعد از شکنجه به قتل رسیده بود که با مبارزه پیگیر شیرین عبادی انعکاس داخلی و خارجی گسترده پیدا کرد و به نحو بی سابقه بی قوانین رژیم ولایت فقیه را با چالشی جدی و مهم مواجه ساخت. در ادامه چنین اقدامات انسان دوستانه بی بود که انجمن حمایت از کودکان نیز با حمایت و همکاری وی تاسیس و شروع به کار کرد. تلاش های مستمر شیرین عبادی برای تهیه پیش نویس طرح

ممنوعیت کودک آزاری برای ارابه به مجلس ششم در همین راستا صورت گرفت. خانم عبادی تلاش های زیادی در رابطه با حقوق زنان میهنان انجام داده است که بدون شک تاثیری به سزا در روند مبارزات اجتماعی در کشورمان و سهم برجسته زنان در آن بر جای گذاشته است. وی از هر فرصتی برای ابراز دردها، رنج های زنان میهنان استفاده کرد و در مقالات خود، کتاب ها، سمینارها، و گردهمایی ها به مشکلات و چالش های پیش روی زن ایرانی پرداخته و در حمایت از حقوق آنان از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. از جمله اقدامات وی فعالیت چشمگیر در رابطه با برگزاری مراسم روز جهانی زن در پارک لاله در سال گذشته بود که جنبه ضد جنگ و صلح طلبانه آن به دلیل اوجگیری اقدامات تحریک آمیز آمریکا برضد مردم عراق نمود ویژه بی داشت. مواضع صلح طلبانه و ضد جنگ شیرین عبادی مربوط به دوران اخیر نیست و اقدامات وی برضد استفاده از کودکان در دوره ادامه جنگ خانمان سوز ایران و عراق نشان از اعتقاد عمیق وی به انسان دوستی، صلح و همزیستی مسالمت آمیز دارد. اظهارات وی در کنفرانس مطبوعاتی اخیرش در پاریس مبنی بر اینکه مردم ایران مایل به دخالت هیچ کشور خارجی در امور داخلی شان نیستند و خود برای احقاق حقوق و مبارزه برای دموکراسی کوشش خواهند کرد ادامه روند آن اعتقادات و موضع گیری هایی است که وی را نایل به دریافت جایزه صلح نوبل امسال کرد.

چنین موفقیت چشمگیری برای جنبش مردمی ایران در یکی از لحظات حساس تاریخ میهنان، عکس العمل های متفاوتی را در پی داشته است. از یکسو نیروها و فعالان سیاسی داخل و خارج از کشور که همسو با شیرین عبادی در طول بیش از دو دهه دشوار گذشته برای دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اصلاحات پایه بی در کشور و طرد رژیم ولایت فقیه مبارزه کرده اند، اعطای جایزه صلح به خانم عبادی را به رسمیت شناختن بین المللی تلاش های خود می دانند، خرسندی عمیق خویش را از این انتخاب ابراز کرده و آن را موفقیتی عظیم برای مردم مبارز میهنان قلمداد کرده اند.

از سوی دیگر مقامات حکومتی رژیم ولایت فقیه که چنین انتخابی همچون ضربه بی دیگر بر سر آنها فرود آمده است، در عکس العمل های مستقیم و غیر مستقیم، اظهار نظرها و مقاله های گوناگون خود نتوانستند خشم خویش را از چنین موفقیتی پنهان دارند. محمد خاتمی، رئیس جمهوری، تاکنون هیچگونه اظهار نظر مستقیمی در این باره نکرده است، اما ابطحی معاون پارلمانی وی اظهار داشت: «اینکه این جایزه به یک خانم ایرانی داده شده، نشان دهنده حضور خانم های ایرانی در مجامع بین المللی است، همانگونه که در داخل کشور و در انتخابات مختلف نظر زنان تعیین کننده بوده است.» ابطحی در جایی دیگر از سخنانش در حالی که به بن بست رسیدن اصلاح طلبان مماشات طلب حکومتی از هر زمان دیگر مشخص تر است، ادعا کرد که تلاش انسان دوستانه و تلاشی که برای تحقق حقوق انسانی انجام بگیرد، در همه جای دنیا محترم است، همچنان که تاکید جریان اصلاح طلبی از ابتدا برای احقاق حقوق مردم و آزادی های مشروع بوده است. منظور ابطحی از جریان اصلاح طلبی نه جنبش مردمی بلکه سیاست های مماشات طلبانه حکومتیان اصلاح طلب می باشد، او در ادامه سخنانش می گوید: «رفتارهایی که این آزادی ها را محدود می کند، همواره مورد انتقاد صریح جریانات اصلاح طلب داخل حکومت نیز بوده است.» در همین رابطه اقدام مسجد جامعی مبنی بر تبریک به شیرین عبادی را نیز باید ناشی از فشار افکار عمومی دانست که دولت را وادار به کرنش در برابر مردم می کند. به موازات این موضع گیری های خجولانه و سطحی و کم رنگ برخی از اصلاح طلبان حکومتی، جناح طرفدار سرکوب رژیم، آشکارا و بدون هیچگونه پنهان کاری، خشم خویش را از این پیروزی مردم آشکارا و از راه های گوناگون ابراز داشتند. کیهان و جمهوری اسلامی، بلند گوه های اصلی جناح سرکوب گر، در مقاله های مشابه سعی کردند فعالیت های شیرین عبادی را در

ادامه سرور مردم و برخورد انزجار برانگیز ...

ارتباط با بیگانگان و آمریکا قرار دهند. کیهان بدون اشاره به فعالیت برنده صلح نوبل امسال در رابطه با حقوق کودکان و زنان و زندانیان سیاسی، نوشت: «عبادی که از شرکت کنندگان کنفرانس برلین بود، در سال ۷۵ هم به عنوان یکی از دریافت کنندگان کمک مالی سازمان آمریکایی دیده بان حقوق بشر معرفی شد. ... نامبرده یکی از متهمان پرونده اصلی نوارسازان است که به عنوان سناریوی تبلیغاتی خارجی علیه جمهوری اسلامی تهیه و مونتاژ شده بود.» روزنامه جمهوری اسلامی با برجسته کردن مبلغ مالی این جایزه در ادامه آورد: «نامبرده تحت عناوین حقوق بشر و حقوق کودکان با سازمان های خارج از کشور ارتباط داشته و از این راه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، فعالیت می کند که نمونه یی از این کارها، مشارکت وی در پرونده نوارسازی بود که با همدستی الهه هیکس عضو یک گروه آمریکایی صورت گرفت.» مطلب روزنامه جمهوری اسلامی که در ادامه شیرین عبادی را به اشتباه همسر سیامک پورزند معرفی کرده است نشان از سرگیجه گرفتن مرتجعان حاکم در اثر این شوک دارد. بادامچیان از سران جمعیت منفور مولفه در این باره گفت: «اگر این جایزه برای پاداش کارهایی باشد که او به نفع استعمار و استکبار غرب انجام داده ننگ آن شخص است.» محبیبان سرمقاله نویس رسالت در این رابطه گفت: «جایزه صلح نوبل برای شیرین عبادی که شادی وصف ناپذیر طیفی از رادیکال های دوم خردادی را به دنبال داشت، بیش از آن که پیامی انسانی داشته باشد. به گمان من حاصل پیام سیاسی از سوی اروپا به ایران است. هر چند عبادی به عنوان یک چهره شاخص اصلاح طلب با گرایش همسو با دولت خاتمی به شمار نمی رود و تمایلات فمینیستی و سکولار در مواضع وی آشکار است اما شاید استقبال عجیب حتی تا سرحد ذوق زدگی دولت که کاملاً غیر دیپلماتیک می نماید به این دلیل صورت گرفته که خانم عبادی بتواند نقش سفیر غیر رسمی روابط ایران و اروپا را به سود توجیه اوضاع ایران بازی کند.»

محسن یحییوی یکی دیگر از طرفداران ذوب در ولایت، در اشاره به فعالیت های شیرین عبادی که به ادعای او سخنان و مقاله هایش بر حذف و نادیده گرفتن بسیاری از ارزش های اسلامی و قرآنی به عنوان یک روشنفکر تکیه دارد، گفت: «به اعتقاد من اهدای جایزه صلح نوبل به عبادی یک نوع مخالفت و دهان کجی به نظام جمهوری اسلامی محسوب می شود.» عجیب اینکه وی همراه با کسانی همچون طه هاشمی و سید آبادی عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، در سخنانی مشابه محمد خاتمی را شایسته این جایزه دانسته اند.

سخنان یحییوی را شاید بتوان واقع بینانه ترین تحلیل از جانب سرکوب گران دانست. یحییوی بر خلاف همفکرانش در روزنامه های رسالت، کیهان، جمهوری اسلامی و دیگر مراکز قدرت که سعی در کتمان واقعیت های این جایزه و وضعیت کنونی جامعه مان دارند، دلیل اصلی ناراحتی خویش را در مخالفت شیرین عبادی با آنچه که وی «ارزش های اسلامی» می داند، دانسته و دقیقاً بر همین نکته اشاره می کند. در حالی که دیگران سعی فراوانی کردند با بزرگ نمایی موارد خودساخته اصل قضیه را لوث کنند، یحییوی اثبات کرد که آن چیزی که مبنای مخالفت او با چنین اقدامی را تشکیل می دهد پیامدهای غیر قابل پیش بینی آن است که در ورای این مهم گریبان رژیم را خواهد گرفت.

در کنار بررسی تبعات اعطای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی باید اذعان داشت که حتی اگر این جایزه به شیرین عبادی تعلق نمی گرفت به هیچ عنوان خلل و خدشه یی در تلاش های مستمر وی برای احقاق حقوق شهروندی و مدنی قشرهای مختلف مردم به وجود نمی آورد. شیرین عبادی یک مبارز و فعال حقوق بشر، کودکان و زنان بوده و می باشد و به دلیل چنین فعالیت هایی است که توانسته نظر تائید کمیته صلح نوبل و دوستداران صلح و طرفداران حقوق بشر را جلب کند. شیرین عبادی یک فعال پیگیر مبارزات سیاسی - اجتماعی است که بر اساس اعتقاداتش مبنی بر احترام به حقوق انسان، زنان و کودکان مبارزه یی دشوار را شروع کرده و آن را ادامه می دهد. مبارزی که تکیه و پناهگاه مطمئن برای او توده ها و افکار عمومی هستند.

موفقیت شیرین عبادی موفقیت تمامی نیروهای آزاده طلب و مردمی است که در این شرایط حساس در دو جبهه برضد ارتجاع داخلی و دخالت خارجی در امور داخلی میهنمان مبارزه کرده و راه هموار کردن مسیر اعاده آزادی و دموکراسی در ایران را با پیگیری ادامه می دهند.

ادامه در اسرائیل افراطیون راست ...

نخست وزیر وقت حزب کارگر، اهود باراک، به «پستو» فرستاده شدند. پس از «کمپ دیوید» او مسئولیت شکست مذاکرات را به گردن فلسطینی ها انداخت و اعلام کرد که از جانب فلسطینی ها، همپای مناسب برای مذاکره وجود ندارد. هفته پیش او باز هم اعلام داشت که درگیری ها نه به خاطر اشغالگری اسرائیل، بلکه به خاطر تروریسم فلسطینی ها بود. تمام این تبلیغات به منظور این است که اسرائیلی ها را به غیر ممکن بودن یک راه حل سیاسی، متقاعد سازند، برای اینکه سکوت را به اردوگاه صلح تحمیل نمایند...

اومانیته: آیا امروزه برای بازگشت به اردوی صلح، مردم همراهی نخواهند کرد؟

ایسام ماخول: نیروهای چپ و هواداران صلح توسط باراک به طور وحشتناکی تضعیف شدند. اما امروز به طور محسوسی به صحنه سیاسی باز می گردند. رویداد های فراوانی این امر را تایید می کند. مانند تظاهراتی که در تل آویو برای اعتراض علیه شارون در رابطه با تهدید به تبعید عرفات صورت گرفت. ایجاد یک کمیته عمل اسرائیلی - فلسطینی که هزاران نفر از مبارزان را در بر می گیرد، امتناع ۲۷ خلبان از ادامه عملیات در سرزمین های اشغالی به منزله یک زمین لرزه ظاهر شد و بالاخره «خشم نادر» ابراهام بورگ نماینده حزب کارگر که در روزنامه «هاآرتز» علیه حکومت منتشر شد، به مثابه یک شوک الکتریکی عمل کرد. مجموع این عملیات ممکن است همچون یک بیداری مجدد اردوگاه صلح و از سرگیری رشد آگاهی برای رهایی از زنجیره تبلیغاتی مخالفان صلح باشد. با یاد از این نیروهای صلح حمایت کرد و ما از اتحادیه اروپا انتظارات زیادی داریم.

اومانیته: وضعیت اقتصادی (اسرائیل) وخیم است. تا چه حدی این بحران می تواند در جستجوی یک راه حل سیاسی موثر باشد؟

ایسام ماخول: اشغال و «مستعمره سازی» (کلونی کردن) سرزمین های اشغالی تهدیدی است برای دموکراسی اسرائیل، عواقب آن بر روی بر نامه های اجتماعی بسیار سنگین است. جنگ هر ماه پانصد میلیون دلار هزینه بر می دارد، و این در شرایط اعمال یک بودجه «ریاضت می باشد».

زمانی که اسرائیلی ها حقیقتاً بتوانند به رابطه بین اشغال، فقر و بیکاری با درگیری و جنگ پی ببرند، این شناسایی در جهت تقویت اردوگاه صلح رهنمون خواهد شد.

نامه جسورانه هاشم آقاچری، تأکیدی مجدد است بر واقعیاتی که سال هاست از سوی نیروهای آزادی خواه و دگراندیش میهن ما درباره بی عدالتی و ظلم دستگاه قضایی رژیم بیان شده است. نکته مهم در نامه آقاچری، نه تکرار این واقعیات آشکار بلکه فراخوان به نیروهای اصلاح طلب حکومتی برای به خود آمدن و حرکت به سمت مبارزه جدی بر ضد رژیمی است که هدفی جز حفظ خود از طریق نابودی جنبش اصلاح طلبی و استقرار مجدد خفقان قرون وسطایی در ایران ندارد. فراخوان به مبارزه منفی و نافرمانی در مقابل دستگاه قوه قضایی بدون سازمان یافتگی اجتماعی بدون حمایت وسیع قشرهای مختلف مردم، از جمله و خصوصاً کارگران و زحمتکشان، جوانان و دانشجویان، نمی تواند تأثیر مهمی را بر ماشین سرکوب ارتجاع برجای گذارد. جنبش مردمی تنها هنگامی می تواند دستگاه قوه قضایی رژیم را فلج نماید که نخست بتواند ادامه حکومت، به شیوه کنونی را برای سران رژیم دشوار سازد و این امر تنها با سازمان یافتگی همگانی ممکن است. اعتصاب غذای یک روزه دیگری که در پیش است گامی کوچک در خارج شدن از رخوت سیاست های «آرامش فعال» است ولی این گام بردی محدود دارد. باید با توجه به تجربیات به دست آمده جامعه و نیروهای اجتماعی را برای گام های بزرگ دیگر آماده کرد.

حزب توده ایران حمله هوایی اسرائیل به خاک سوریه را شدیداً محکوم می کند!

حمله تحریک آمیز نیروی هوایی اسرائیل در روز ۱۳ مهرماه به اعماق خاک سوریه برای بمباران منطقه یی در نزدیکی دمشق را نمی توان از سخت تر شدن مواضع ایالات متحده برضد سوریه و اتخاذ یک سری تحریم های جدید برضد این کشور در روزهای اخیر جدا دانست. این حمله را که همزمان با شکست عملی طرح «نقشه راه» در رابطه با فلسطین و وخامت اوضاع در عراق و اوچگیری حملات به نیروهای اشغال گر آمریکایی-انگلیسی صورت می گیرد و در سه دهه گذشته سابقه نداشته است را می توان شروع فاز جدید تهاجم امپریالیسم به خاورمیانه قلمداد کرد. حمله هوایی ارتش اسرائیل که به بهانه تلافی جویی در مقابل عملیات انتحاری تروریستی در حيفا که به کشته شدن ۱۹ نفر اسرائیلی و عرب منجر شد، صورت گرفت در عمل نمایشگر به بن بست رسیدن سیاست سرکوبگرانه دولت شارون در سرزمین های اشغالی می باشد. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن حملات تروریستی که عملاً شانس پیشروی به سوی یک آلترناتیو صلح آمیز و ترقی خواهانه را مسدود کرده و به مبارزه مردم فلسطین برای استقلال ملی لطمات جدی وارد می کند، بر این باور است که عامل ریشه یی ادامه کشتار و لاینحل ماندن مساله فلسطین تداوم سیاست های شارون و صهیونیست های افراطی می باشد که با سرکوب خونین مردم فلسطین فقط به ارمغان آورنده خرابی، مرگ و فاجعه برای هر دو ملت فلسطینی و اسرائیلی می باشند. این حمله هوایی که به موجی جدید از تنش در منطقه خاورمیانه دامن زد و احتمال گسترش درگیری و جنگ در مناطق جدیدی از منطقه را مطرح کرد، با حمایت دولت جورج بوش صورت گرفته است. حمله به خاک سوریه بار دیگر وحدت منافع صهیونیست های افراطی و محافل قدرت در واشنگتن را به نمایش می گذارد.

حزب توده ایران بر این باور است که حمله هوایی اسرائیل به خاک سوریه از نظر قوانین بین المللی کاملاً محکوم و هیچ گونه توجیهی ندارد. ما حمایت خود از مبارزه میهنی مردم و نیروهای ترقی خواه سوریه در جهت استقرار صلح و حاکمیت ملی خلق های منطقه اعلام می کنیم.

ادامه ضرورت تشدید و گسترش مبارزه ...

بازتولید قرون وسطای ظلمانی در ایران قرن بیست و یکم داده بودم به اثبات رسید. « آقاچری سپس در ادامه ضمن اشاره به عمق جنایت پیشگی کسانی که نام خود را «دادستان» و «قاضی» نهاده اند و همچنین تلاش های او و اصلاح طلبان برای حل مسایل از راه و شیوه های مورد قبول حاکمیت و تاریک اندیشان حاکم می افزاید: «شاکی اینجانب (قائم مقام مدعی العموم و شاکی) را در مقام رئیس شعبه تجدید نظر نشانندند و او که از آغاز همدست مخالفان و معیان من بود و حتی پیش از رسیدگی صوری در تجدید نظر، نظر خود را مبنی بر ارتداد و جواز اعدام من داده و صریحاً اظهار کرده بود که آماده است تا خود با دستان خویش طناب دار را بر گردنم بیندازد، مرا به چهار سال زندان محکوم کرد و البته حکم اعدام را نیز همچون شمشیر داموکلس، بر فراز سر من داشته اند! در تمام آن مدت اینجانب در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی و قوه قضائیه موجود کوشیدم تا از طریق نامه ها و اعتراضات قانونی و با استناد و استدلال و قوانین جاری، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، کمیسیون اصل نود مجلس و ... و حتی رئیس دیوانعالی کشور و سایر مراجع داخلی نظام را مخاطب قرار داده و از آنها برای نقض حکم ننگین، رفع ستم و آزادی از بند استمداد کنم. البته این همه نیز به توصیه خیر خواهان و ناصحان اصلاح طلب حکومتی و درون نظام بود و گر نه اینجانب حتی با اعتراض به حکم ننگین اعدام و حبس مخالف بودم و خود را آماده شهادت در راه عقیده کرده بودم. »

و نکته مهم اینکه پس از همه این تجربیات و آزموده های آزمون شده چه باید کرد. آقاچری با گسست از مواضع مخرب مماشات با دستگاه ظلم و جور ولی فقیه حاکم و با عبور از مرزهای ارتجاعی «خودی و غیر خودی» با جسارت اعلام می کند: «آزادبخوهران جهان! اینک که فقدان استقلال، بیطرفی و عدالت و انصاف در قوه قضائیه موجود بر همگان آشکار شده و در حالی که دادگاه های فرمایشی، احکام اعدام و زندان را از پیش و با اشاره اراده ای سیاسی و قاهر از بیرون از دستگاه قضایی صادر می کند و حتی به قوانین خود نیز ملتزم نیست چگونه می توان از متهمی زندانی که گناهی جز استفاده از حق طبیعی و الهی آزادی بیان و ابراز اندیشه نداشته انتظار تمکین به چنین قوانین و چنان دادگاه هایی را داشت؟! اینجانب بدینوسیله اعلام می دارد که از این پس به هیچوجه در دادگاه های در بسته و فرمایشی و عاری از استقلال و بیطرفی حاضر نخواهم شد و از همه آزادیخواهان و اصلاح طلبان راستین و دموکراسی خواه نیز می خواهم که با اتخاذ روش مبارزه منفی و به رسمیت نشناختن چنین مراجع قضایی فاقد مشروعیتی اجازه ندهند که بیش از این فرزندان ملت ایران با تیغی که به نام قوه قضائیه در دست اراده سیاسی است به مسلخ زندان و اعدام و ... برونند. من و همه زندانیان عقیدتی و سیاسی امیدی به عدالت دستگاه قضایی موجود نداریم و تنها پس از خداوند دست یاری به سوی همه انسان دوستان، آزادی خواهان و مدافعان حقوق بشر و دموکراسی در ایران و جهان دراز می کنیم و از آنان می خواهیم که با ترفیع، تداوم و گسترش اعتراضات مدنی و سیاسی خود در سطح ملی و جهانی، صدای مظلومانه و حق طلبانه دربند شدگان عقیدتی و سیاسی را با هر عقیده و مرامی به گوش جهانیان برسانند. می دانم که با انتشار این نامه فشارها بر من افزایش خواهد یافت و ممکن است مرا بار دیگر به زندان انفرادی روانه سازند اما در همین جا اعلام می کنم که در چنین صورتی از تنها سلاح یک زندانی یعنی اعتصاب غذا استفاده کرده و همه عواقب آن را نیز به جان خریدارم.»

ادامه تأملی بر اجلاس «سازمان تجارت» ...

در اسرائیل افراطیون راست

بر سر کارند!

«ایسام ماخول» دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل و نماینده جبهه دموکراتیک و صلح (هاداش) در پارلمان اسرائیل، در پاریس با «ماری ژرژ بوفه» دبیر حزب کمونیست فرانسه و نمایندگان کمونیست در پارلمان و سنای فرانسه ملاقات کرد و با روزنامه اومانیته نیز مصاحبه‌ای به عمل آورد که در زیر برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم» منتشر می‌شود.

اومانیته: ظرفیت برای از سرگیری روند صلح تا چه حدودی است؟

ایسام ماخول: دو جریان به موازات هم در حرکت و گسترش هستند. نخستین آن «انتفاضه» است که چون برای حل و فصل سیاسی راه دیگری نمی‌دید، آغاز شد. اکنون سه سال پس از شروع دومین «انتفاضه»، در میان اکثریت فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها مجدداً این برداشت جا باز می‌کند که هیچ راه حل نظامی وجود ندارد و باید از این حمام خون بیرون آمد. اما در حاشیه افراطیون فعال هستند. در هر دو سوی درگیری یک جبهه امتناع وجود دارد که هر نوع جریان و روند سیاسی را رد می‌کند البته با یک تفاوت در مقیاس و اندازه. در سمت فلسطینی‌ها این افراطیون در اپوزیسیون هستند در حالی که در سمت اسرائیلی‌ها، افراطیون حکومت را در دست دارند. حکومت شارون به صورت ریشه‌ای روی افکار عمومی کار می‌کند، برای اینکه آنان را متقاعد سازد و به آن‌ها بقبولاند که صلح غیر ممکن است و فقط زور است که به پایان خشونت خواهد انجامید، اما با تمام این احوال، تمام مردم اسرائیل از سیاست شارون حمایت نمی‌کنند.

اومانیته: وزن و اعتبار جنبش اعتراضی تا چه حدی است؟

ایسام ماخول: حکومت راست افراطی با یک ماموریت تاریخی اعلام شده جهت متوقف کردن روند صلح به قدرت رسیده است. تقریباً تمام اعضای این حکومت از موافقت اسلو به مثابه یک «جنایت» سخن می‌گویند و با آنان که در این امر شرکت داشتند همچون «جنایت کار» رفتار می‌کنند. آن‌ها، اسحاق رابین، را به قتل رساندند و حالا به عرفات پرداخته‌اند. هنگامی که شارون می‌گوید می‌خواهد عرفات را از میان بردارد و یا تبعید کند برای اینکه او (عرفات)، به ادعای شارون، مانع صلح است، کاملاً دروغ می‌گوید. حقیقت این است که او می‌خواهد عرفات را از میان بردارد زیرا که خود صلح برای سیاست شارون یک «مانع» به شمار می‌آید. امروز اسرائیلی‌ها بیش از پیش و به شدت دسیسه‌های شارون را افشا می‌کنند. این دسیسه‌ها هم برای فلسطینی‌ها بسیار خطرناک است و هم برای اسرائیلی‌ها تهدید نیرومندی به حساب می‌آید. مردم خطر فاشیستی شدن کشور را به وضوح مشاهده می‌کنند. اکنون ده سال است که «نیروهای صلح» اسرائیلی توسط

یک گروه از کشورهای عضو که در راس آن عملاً برزیل قرار گرفت، و به نام گروه ۲۲ معروف شد، و چین، هندوستان و آفریقای جنوبی در آن فعالیت چشمگیر داشتند، در کنفرانس خود نمایی کرد. به گفته نماینده برزیل، گروه ۲۲ بعد از «کن کان» خود را به مسیر و جهتی که اروپا و آمریکا پیش بینی کرده‌اند مقید نخواهد کرد. نماینده برزیل که به عنوان سخنگوی گروه ۲۲ ظاهر شد، سخنرانی بسیار تهاجمی بی‌رادر باره موضوع «توسعه» ایراد کرد. او خاطر نشان ساخت که گروه ۲۲ انتظار داشت که مباحثات «کن کان» بر روی مطالبات اجتماعی مردم کوچه و بازار متمرکز شود. برای او موضوع عبارت بود از احترام گذاشتن به تعهدات «دوحه» در مسایل مربوط به کشاورزی.

عامل عمده در شکل‌گیری این ائتلاف جدید کشورهای در حال توسعه نقش چین می‌باشد که دو سال پیش در دوحه به سازمان تجارت جهانی پیوست. چین گفته است که این کشور از حضور خود به عنوان اهرمی برای حمایت کردن از حقوق کشور های در حال توسعه استفاده خواهد کرد. در طول پنج روز اجلاس کشورهای در حال توسعه خواستار کاهش همه جانبه یارانه کشورهای ثروتمند به کشاورزان خود که در حال حاضر بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار می‌باشد و عامل اصلی سقوط قیمت محصولات کشاورزی در بازارها و ورشکستگی اقتصاد کشاورزی کشورهای فقیر است، گردیدند. اما با این حال خواست های به حق سیاسی جهانی گروه ۲۲ در برابر فشار منگنه وار دو غول جهانی آمریکا و اروپا، نباید خصلت کاملاً لیبرالی توقعاتشان را پرده پوشی کند. بیهوده نیست که پیتر آلگرای، وابسته آمریکایی در مذاکرات، گفت: «ما با برزیل در بسیاری از اهداف پایه‌ی دارای نظرات مشترک هستیم، به ویژه در مساله آزاد سازی کشاورزی»، او در این باره اشتباهه نمی‌کرد. باید اشاره کرد که کارزار گروه ۲۲ در رابطه با اثرات مخرب «حمایت داخلی» مشابه و هم جهت خواسته های گروه «calms» به رهبری مافوق لیبرال هایی مانند استرالیا و زلاند نو بود. مانند همیشه بازنندگان، کشورهای فقیر هستند. واقعیت غم انگیز تر، به عنوان مثال، در تمام طول کنفرانس مساله پنبه بود. کشورهای تولید کننده پنبه آفریقای غربی زنگ خطر را به صدا در آوردند. بازار جهانی پنبه که در بعضی موارد تا ۶۰ درصد صادرات این کشورها را تشکیل می‌دهد، بر اثر سوبسید غول آسایی که آمریکا برای صادرات پنبه خود اختصاص داد (۴ میلیارد دلار در سال)، در حال سقوط آزاد است.

چهار کشور غرب آفریقا به عبث سعی کردند که طرح ویژه بی موسوم به «ابتکار پنبه» را پیشنهاد کنند. واقعیت اینست که این کشورها حتی امکانات ضرور و لازم را برای مراجعه به محکمه ویژه «سازمان تجارت جهانی» را ندارند و تازه اگر هم جبران خسارت احتمالی در نظر گرفته شود، این برای آمریکا متضمن هیچ گونه «جریمه‌ای» نخواهد بود. سازمان تجارت جهانی در جریان زور آزمایی غول‌ها تعادل خود را از دست داد. کنفرانس «کن کان» شکست خورد. وضعیت آنچنان دگرگون شد که در عرض چند ساعت افق یک توافق محتمل به یک شکست قطعی منتهی شد.

کم بها دادن به نفوذ فزاینده کشورهای نوحاسته از سوئی و خشم فوق العاده کشورهای فقیر در برابر «غسالخانه» ای که دو غول تجارت جهانی برایشان ترتیب دادند، از سوی دیگر کنفرانس را به شکست کشاند. در خاتمه ۸۰ کشور پیشنهاد های «سازمان تجارت جهانی» را رد کردند. ناظران مطلع گفتند که موازنه قدرت در عرصه تجارت عملاً بطور مشخص و بی سابقه‌ی به ضرر کشورهای ثروتمند تغییر یافته است. در «کن کان» غول های اقتصادی جهان در یافتند که نمی‌توانند به بی توجهی خود به ریشه مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه ادامه دهند.

مدیر کل سازمان تجارت جهانی از همگان دعوت کرد که در ماه دسامبر سال ۲۰۰۴ در ژنو کار را از سر بگیرند. اما پس از شکست کنفرانس «کن کان» هیچ کس به طور جدی فکر نمی‌کند که جلسه دسامبر سال ۲۰۰۴، که رسماً پایان «دور دوحه» خواهد بود، بتواند مهم شمرده شود. «دور دوحه» اگر هم رسماً نمرده باشد، دیگر امیدی به آن نمی‌توان داشت. آنچه در «کن کان» رخ داد عملاً ادامه منطقی آن پروسه‌ی است که با «اخطار» سیاتل ظهور عیان یافت و بررغم تمهیدات کشورهای سرمایه داری قدرتمند گسترش خواهد یافت.

تأملی بر شکست اجلاس «سازمان تجارت جهانی» کشورهای در حال توسعه خواستار سیاست های کشاورزی عادلانه اند!

از هر دو نفر از ساکنین زمین، یک نفر با کمتر از روزی یک دلار زندگی می کند. ۸۴۰ میلیون نفر (در مقابل ۸۰۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵) قادر نیستند حتی برای رفع گرسنگی تغذیه کنند. این ارقام، خطر بزرگ جهانی شدن را نشان می دهند. خطری که برای کشورهای کوچک جنوب، دیگر یک واقعیت آشکار است. کشورهایی که به طور کامل ضربه های تازبانه فرو ریزی قیمت های فرآورده های کشاورزی را برگرده خود تحمل می کنند. واقعیتی که نه «سازمان تجارت جهانی» و نه اجلاس وزیران آن در «کن کان» توانسته اند آن را در سایه قرار دهند.

پنجمین اجلاس سازمان تجارت جهانی، از ۱۰ تا ۱۵ سپتامبر، در شهر «کن کان»، مکزیک، در سطح وزیران تشکیل شد. موضوع کنفرانس مرحله جدید «دور توسعه» بود که اساس آن در مذاکرات چند جانبه در نوامبر سال ۲۰۰۱ در «دوحه» پایتخت قطر تحت عنوان «دور توسعه» مورد بررسی قرار گرفت. در «دوحه»، فقیر و غنی به ظاهر هر دو بر روی یک پرنسب مرکزی تفاهم داشتند. این امر شامل ۲۰ موضوع مورد مذاکره بود که در «یک پرونده کلی» قرار گرفت، بر این مبنا که هیچ مطلبی به تصویب نخواهد رسید، مگر این که همه موضوع ها مورد تصویب قرار گیرند.

قبل از کنفرانس «کن کان»، گرد هم آیی های چند گانه یی برای حصول توافق روی دو موضوع مورد بحث، یعنی «تجارت فرآورده های کشاورزی» و «دست یابی کشورهای فقیر به داروی ارزان قیمت»، به عمل آمده بود. از سوی دیگر اتحادیه اروپا و آمریکا در نیمه دوم مردادماه جاری روی یک مشی مشترک، حاوی سه مساله مورد نزاع، «سوسبید روی صادرات کشاورزی، حمایت از فرآورده های داخلی» و «دسترسی به داروهای ارزان قیمت»، مذاکراتی انجام دادند که ظاهراً هدف آن اجتناب از شکست کنفرانس بود، ولی در هیچ موردی پیشرفت قابل توجهی حاصل نشده بود. در همین زمینه دو غول تجارت، پیش نویس یک طرح محدود کننده را برای تصویب به کنفرانس تهیه کردند که حتی از متن تصویب شده در «دوحه» بسیار به دور بود.

زایش سازمان تجارت جهانی، ده سال پیش، در شروع «نظم نوین جهانی»، و به مثابه ادامه «موافقتنامه عمومی در رابطه با تجارت و تعرفه ها» (گات) در مراکش بود. اساس گرد هم آیی مراکش بر این مبنا بود که «امضا کنندگان تایید می کنند که مشارکت در قلمرو اقتصادی و تجارت می باید در جهت ارتقا سطح زندگی و تحقق اشتغال کامل و ایجاد یک سطح ارتقا یافته از درآمد واقعی باشد».

در این مقطع نظریات خوشبوآورانه ای در این رابطه که تجارت خارجی آزاد اگر همه چیز چه در شمال و چه در جنوب به خوبی عمل نماید، می تواند عامل توسعه شود. چنین چیزی قبل از همه می بایست متضمن حذف کلیه «حمایت ها» و گسترش واقعاً آزاد صادرات می بود. امروزه بر پایه تجربه دهساله چنین امری اصولاً موضوعیت ندارد. «سازمان تجارت جهانی» این اصول را به کلی فراموش کرده است و به خاطر تمرکز منحصرأ روی امر تسهیل دسترسی انحصارات بین المللی به بازارها، و فقط «تجارت»، قدم به قدم کلیه موسسات بین المللی و یا توافق های مهم از قبیل «تصمیمات کنفرانس ریو» (کنفرانس زمین) را به ابطال کشانید.

چنین منطق جنایت کارانه ای در ده سال گذشته به حذف ده ها میلیون شغل در شمال و بیش از آن در جنوب همراه بوده است. امروزه تخمین زده می شود که یک سوم نیروی فعال کره زمین در بیکاری و یا نیمه بیکاری به سر می برد. حتی اگر نتوان همه این ها را به «سازمان تجارت جهانی» نسبت داد، این امر کاملاً روشن است که این سازمان در شرایط کنونی یک عامل تشدید کننده است.

در روزهای برگزاری پنجمین کنفرانس سازمان تجارت جهانی در شهر «کن کان» در مکزیک، شهر عملاً در محاصره نیروهای امنیتی و نظامی بود. کنفرانس در هتل های واقع در یک دماغه، در دریای کارائیب، که عملاً از سایر بخش های شهر جداست، و تحت شدید ترین مراقبت های «امنیتی» تشکیل شد. برای رسیدن به محل کنفرانس فقط دو راه وجود داشت که عملاً مسدود شده بود. تمام این تدابیر برای جلوگیری از تظاهرات مخالفان «جهانی شدن» صورت گرفته بود. با این حال حتی قبل از تشکیل کنفرانس، یک جمعیت ۵۰ هزار نفری از تمام نقاط دنیا وارد شهر شده بودند، به ویژه دهقانان، تظاهر کنندگان جوان، دانشجویان و سایر گروه های مردمی در میان تظاهر کنندگان بودند. نخستین روز کنفرانس مصادف با حادثه تاسف آور خود سوزی یک دهقان از هستی ساقط شده کره جنوبی بود.

کنفرانس از همان روز نخست با یک رویا رویی آشکار شروع شد و رییس کنفرانس از همان آغاز شکست آن را پیش بینی کرد. تعرض عمده از سوی کشور های نوخاسته چین، هندوستان و برزیل، که خود به تنهایی نماینده ۴۰ درصد جمعیت جهان هستند، در مخالفت با طرح اروپایی - آمریکایی در رابطه با کشاورزی، سازمان دهی شد. برخورد چنان شدید بود که «رودریگز» وزیر برزیل حتی مساله بایکوت کردن کنفرانس را مطرح ساخت.

یکی دیگر از مشخصه های سازمان تجارت جهانی که در «کن کان» کاملاً عیان شد، جنگ اقتصادی بین آمریکا و اتحادیه اروپا بود. هر چند این دو غول تجارت با هدف جلوگیری از شکست کنفرانس، بر سر یک مشی مشترک حول سه مساله «سوسبید» روی صادرات کشاورزی، دسترسی به بازار داروهای ارزان و حمایت های داخلی مذاکره کرده بودند، ولی در عمل در هیچ عرصه یی به توافق نرسیدند. این سه موضوع مورد بحث کنفرانس نیز بود، اما قسمت اعظم وقت کنفرانس بر اثر زور آزمایشی بین اتحادیه اروپا و آمریکا بر روی مساله کشاورزی متمرکز شده بود. با ورود چهار کشور چین، برزیل، هند و آفریقای جنوبی به مذاکرات و مطرح کردن خواسته های جدید، مساله بغرنج تر شد. اما با این حال اروپا در هماهنگی با آمریکا و برای این که «پرونده کشاورزی» به پیش برده شود، سایر موارد بحث را منوط به پیشرفت در این زمینه کردند.

ادامه در صفحه ۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 671
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

14 October 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک